

توسعه اقتصادی^۱ از دیدگاه حضرت امام خمینی

حسین کریمی

زیربنا اقتصاد نیست،
برای این که غایت انسان اقتصاد نیست.^۲
حضرت امام خمینی (ره)

مقدمه

واژه توسعه اقتصادی در حال حاضر مفهومی شناخته شده است. گرایش به توسعه اقتصادی نیرویی است شکست‌ناپذیر و استوار که امروزه خواه‌ناخواه با از میان برداشتن موانع می‌کوشد مسیر خود را برای رسیدن به مقصود بگشاید. در این میان اقتصاددانان از جمله عناصر بسیار مهمی هستند که در هسته مرکزی این مجموعه با ارائه شیوه‌ها و راهکارهای متفاوت علمی، نظری و تجربی در رسیدن به این مهم و اعتلای کارآیی توسعه بسیار پرتلاش ظاهر شده‌اند. از بُعد دیگر، توسعه فرآیندی است طولانی، سرشار از تجربه و نوآوری که همه ابعاد زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد و تحولی عمیق و بنیادین در بینش، دانش، مهارت، اخلاق و مناسبات میان مردم پدید می‌آورد.

در این میان اسلام، به عنوان دینی که مبتنی بر فطرت انسان، احکام و راهبردهای خود را مطرح می‌سازد، برخوردار از چنان ادبیات غنی و واقع‌بینانه و نگرش‌های اصولی به انسان است که معقدان خود را به سلاح پویایی و به انگیزه تغییر جهان هستی به منظور بهره‌مندی از منابع و امکانات بالفعل محدود در امر تولید تجهیز می‌کند. هم‌چنین او را در بستری از سازندگی و تلاش برای ایفای وظایف فردی و جمعی خود - در حالی

1. Economic Development.

۲. صحیفه نور، ج ۹، ص ۷۶.

که مختار و آزاد است - چنان موظف و مسئول می نماید که گویی چنانچه دست به تلاش برای تغییر چهره جهان برای غلبه بر فقر و تمهید شرایط ظهور استعداد های بالقوه منابع انسانی و مادی نزنند به تکلیف الهی خویش عمل نکرده است.

اسلام، به عنوان دین خاتم و کامل،^۱ نوعی جهان بینی پویا به پیروان خویش عرضه می دارد و آنان را از چنان عقایدی برخوردار می سازد که چشم انداز زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان از رشد و توسعه ای که متناسب با آن جهان بینی و عقاید اسلامی منطبق بر فطرت است، بهره مند می شود.^۲ انسان که از اساسی ترین عوامل تولید است، ظرفیت علمی بسیار بالایی دارد؛^۳ خلیفه خداوند در زمین^۴ و موجودی برگزیده است^۵ که برای آبادانی زمین مأموریت^۶ دارد و مسئول است. آنچه در طبیعت پیدا می شود برای او آفریده اند^۷ و در تسخیر اوست.^۸ هدف از خلقت انسان اطاعت از خداوند بزرگ و پرستش اوست^۹ و خواسته های بشر را نهایی نیست؛ از این رو جز با یاد خدا آرام نمی گیرد.^{۱۰}

بنابراین تأکید اسلام بر توسعه، درخور توجه است. دین متمدن و مبین اسلام با اعلام این که فقر مرگ بزرگ است^{۱۱} و مردن بهتر از فقر است^{۱۲} و اینکه فقر می تواند عامل سلب شخصیت فقیر شود،^{۱۳} خط مشی خود را برای محور عوامل و شرایط ایجاد فقر - که به تعبیری توسعه نیافتگی و یا حداقل مانعی برای توسعه است - مطرح می کند. هم چنین اسلام در خصوص کسب دانش و آموزش،^{۱۴} حفظ تندرستی،^{۱۵} مذمت بیکاری،^{۱۶} توزیع مجدد درآمد از طریق انفاق،^{۱۷} وقف،^{۱۸} وصیت به ثلث اموال،^{۱۹} رعایت حال تهیدستان،^{۲۰} مالکیت ناشی از کار،^{۲۱} زنده کردن امتی از طریق احیای یک فرد،^{۲۲} تقبیح زندگی مسرفانه و تحمل مأبانه،^{۲۳} و نیز وظیفه دولت برای رسیدگی به امور محرومان^{۲۴}

- | | | |
|--|---|---------------------------|
| ۱. انعام، آیه ۱۱۵. | ۲. اعراف، آیه ۱۷۱. | ۳. بقره، آیات ۳۱ و ۳۲. |
| ۴. انعام، آیه ۶۵. | ۵. بقره، آیه ۳۰. | ۶. هود، آیه ۶۱. |
| ۷. بقره، آیه ۲۹. | ۸. جائیه، آیه ۱۳. | ۹. ذاریات، آیه ۵۶. |
| ۱۰. رعد، آیه ۲۸. | ۱۱. نهج البلاغه، به نقل از الحیة، ج ۴، ص ۲۸۱. | |
| ۱۲. اصول کافی، نقل از الحیة، ج ۴، ص ۲۸۱. | | |
| ۱۳. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۲۱. | | ۱۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵. |
| ۱۵. نهج الفصاحه، ص ۲۱۶. | ۱۶. تهذیب، ج ۶، ص ۳۲۷. | ۱۷. نور، آیه ۳۲. |
| ۱۸. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۸۲. | ۲۱. نجم، آیه ۴۰. | ۱۹. نساء، آیه ۱۲. |
| ۲۰. الحیة، ج ۲، ص ۴۸۵. | ۲۲. مائده، آیه ۳۲. | |
| ۲۳. حدید، آیه ۲۰. | ۲۴. توبه، آیه ۶۰ و انفال، آیه ۴۱. | |

تأکید فراوان داشته و به مسائل اقتصادی توجه اکید ورزیده است. در این تأکیدها به سادگی می‌توان توجه به شاخصهای توسعه را دریافت.

بنابر آنچه ذکر شد، پیمودن مسیر توسعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و از آن‌جا که ایران کشوری اسلامی و پایبند به اصول و قوانین آن است، باید به خویش متکی باشد و در این صورت مفهوم توسعه اقتصادی اهمیتی دوچندان می‌یابد. در این بین در سایه انقلاب اسلامی و اصول اساسی و نجات‌بخش اسلام، رهبر فرزانه و بنیانگذار انقلاب اسلامی نقش اساسی و ارزنده ایفا نموده و رهنمودهای فاضلانه و منطبق بر تئوری‌های اقتصادی را مطرح ساخته‌اند تا زمینه عملی و عینی این دستورها در جامعه اسلامی ما فراهم شود.

در این مقاله کوشیده‌ایم مفهوم توسعه اقتصادی را از دیدگاه حضرت امام راحل (ره) بررسی و نظریات این بزرگوار را - در حد توان - مطرح کنیم. در این خصوص دو مطلب بسیار مهم، یعنی:

۱. جامعیت مفهوم توسعه،

۲. ارزشی بودن مفهوم توسعه،

را به عنوان مسئله قابل طرح^۱ در نظریات حضرت امام خمینی، به روش کتابخانه‌ای،^۲ بحث می‌نماییم. محور مقاله را نیز بر اساس مجموعه سخنان حضرت امام (ره) و نوشته‌های آن حضرت قرار داده‌ایم.

مسئله قابل طرح

مهم در مفهوم توسعه، جامعیت آن در عمل است که نه تنها کمیّت موضوع را دربرمی‌گیرد بلکه از کیفیت مسئله نیز بحث می‌کند و به شکل جامع به آن می‌نگرد.^۳ در همین باره مفهوم توسعه اقتصادی از دیدگاه حضرت امام (ره) احیا و توسعه فرهنگی، احیای هویت و فرهنگ دینی و ابعاد متفاوت و مختلف جامعه را دربرمی‌گیرد. نخستین مسئله قابل طرح در نظریات این بزرگوار، جامعیت واژه توسعه متناسب با شرایط، امکانات و مقتضیات جامعه اسلامی است. اوضاع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بلوغ فرهنگ دینی و اسلامی در جامعه ایران اساس بحث‌ها و نظریات

۱. این دو مسئله، فرض‌های مطرح در مقاله‌اند.

۲. روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

حضرت امام(ره) در مورد توسعه اقتصادی است و به عنوان الگوهای نظری، ایده‌ها و خط‌مشی‌های کلی، و اصول و سیاست‌های اقتصاد کلان را تشکیل می‌دهند.

دومین مسئله قابل طرح در این خصوص مفهوم «ارزشی بودن»^۱ توسعه اقتصادی است. این مفهوم که در مقابل مفهوم تحقیقی^۲ توسعه قرار دارد، مجموعه‌ای از دانسته‌ها را دربرمی‌گیرد که درباره معیارهای «آنچه باید باشد» بحث و بررسی می‌کند.^۳ بنابراین مهم‌ترین اصل در این مفهوم توجه به تجویزها و توصیه‌هاست که در خصوص پیامدهای ارزشی توسعه اقتصادی راهگشا خواهد بود.

در نظریات اقتصادی حضرت امام واژه توسعه اقتصادی مفهومی ارزشی دارد. از آن‌جا که توسعه حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب است، وضعیت مطلوب (توسعه‌یافتگی) امری ارزشی است و از طرفی چون اسلام دین ارزش‌هاست، برای حصول چنین مفهومی باید از تعالیم آسمانی آن، کمک و بهره گرفت. در این زمینه امام خمینی با توجه به اصول مکتب اسلام، مفاهیم ارزشی توسعه اقتصادی را مطرح کرده و توجه خاصی به مذهب، انسان، احساسات، عواطف، اخوت، ایثار، انفاق، عدل، تواضع و انصاف داشته‌اند. ایشان در همین باره می‌فرمایند:

اسلام همه مسائلی را که مربوط به زندگی بشر در دنیا و آخرت است

و آنچه مربوط به رشد و تربیت انسان و ارزش انسان است، داراست.^۴

از سخن مذکور پیداست که امام راحل به نیروی انسانی به عنوان محور توسعه - با معنای الهی - و مفهوم توسعه نیروی انسانی کاملاً عنایت داشته‌اند.

ضرورت بحث درباره دیدگاه امام خمینی

دلیل‌های متعددی سبب شد مسئله را از دید حضرت امام بررسی کنیم. این دلایل را می‌توان تحت عنوان سیمای اقتصادی ایشان در موارد ذیل طرح نمود:

۱. سیمای اقتصادی امام خمینی از بُعد فقاہت: مرجعیت و فقاہت حضرت امام منبعی برای پاسخگویی به سؤالات متعدد عرفی و شرعی است و سبب شده ایشان از سال‌های دور در این زمینه صاحب نظر باشند.

1 . Normative.

2 . Positive.

3 . Friedman, M. (1953) & Lipsey, R. G. (1971).

۲. سیمای اقتصادی امام خمینی از بُعد بنیانگذاری انقلاب اسلامی: تحول عظیمی که ایشان از سال‌ها قبل آغاز کردند و در بهمن ۱۳۵۷ به بار نشست، سبب گردید اصولی را در ابعاد متفاوت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص اقتصادی طرح و اساس مکتب انسان‌ساز اسلام را در این موارد اجرا کنند.

۳. سیمای اقتصادی امام خمینی از بُعد رهبری: قرار گرفتن در بالاترین نقطه تحول عظیم انقلاب اسلامی از امام بیانات بسیار ارزشمندی به یادگار گذاشته است که دیدگاه‌های متفاوت ایشان را در همه جهات نشان می‌دهد. بستر انقلاب اسلامی و زمینه فراهم شده در جامعه اسلامی ایران سبب گردید این اصول اساسی انقلاب اسلامی را رهبر و محور مرکزی انقلاب طرح کند.^۱

۴. درایت و تخصص حضرت امام در ابعاد متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از ایشان متخصصی عالی‌رتبه ساخته است. امام با توجه به استعدادهای شخصی و تجربه ارزشمند نزدیک به یک قرن از تاریخ بشر و تحول عظیم جهان، منطقه و ایران و با استفاده از استدلال‌های منطقی و کاملاً علمی به بیان دردها و مشکلات پرداخته و در این موارد راه‌حل‌هایی ارزنده ارائه نموده‌اند.

۵. ویژگی روحانی و عرفانی حضرت امام از ایشان شخصیت برجسته دینی و اسلامی ساخته و ارتباط ناگسستنی ویژه‌ای را با مرکز وحدانیت و حضرت احدیت در ایشان به وجود آورده است، به طوری که ایشان از علم الهی برخوردار گشته و الهامات الهی و دستورهای دینی و فرهنگ مذهبی را سرلوحه فرمایش‌های خود قرار داده‌اند و همه ابعاد گفتاری و رفتاری ایشان برگرفته از همین اصل است.

۶. وجوه تشابه بسیاری از بیانات حضرت امام با اقتصاددانان در زمینه توسعه اقتصادی سبب گردیده ایشان به عنوان یک شخصیت برجسته علمی و عنصری آگاه به علوم روز معرفی گردند. همترازی دانسته‌های حضرت با دانسته‌های متخصصان اقتصاد شاهدهی است بر ظرفیت فنی و تخصصی بالای امام (ره) و نشانه‌ای از آگاهی کامل ایشان به علم اقتصاد. در این زمینه به تحلیل مقایسه‌ای مختصری خواهیم پرداخت و از دریای حکمت حضرت امام به اندکی بسنده می‌کنیم.

محقق فرانسوی، پیر مایه^۲ در کتاب رشد اقتصادی خود در صفحات ۵۳ و ۵۴ عوامل

۱. پس از صدور پیام حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۱۱، مجمع مشورنی بازسازی کشور تشکیل شد.

2. Pierre Maillet.

بنیادی رشد را به صورت ذیل مطرح می نماید:

پیشرفت فنی، پیشرفت علوم، کوشش در بحث پسانداز به منظور سرمایه‌گذاری‌های لازم، آموزش نیروی انسانی، اراده لازم جهت ایجاد تغییرات اقتصادی و اجتماعی، جمعیت پرتلاش، چارچوب سازمانی مساعد و فضای اقتصادی منطبق با تغییرات.

در مقابل حضرت امام فرموده‌اند:

امروز شما باید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور همت بگمارید و فعالیت کنید.^۱

و در جایی دیگر می فرمایند:

ان شاء الله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم.^۲

و نیز فرموده‌اند:

مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصص است که شهامت مبارزه با جهل را دارند.^۳

حضرت امام با درایت کافی با بحث رشد اقتصادی، کاملاً تخصصی و علمی برخورد کرده و شاخص‌های مختلف توسعه و دستیابی به آن‌ها را مطرح نموده‌اند. در مقایسه دیگری گونار میردال^۴ در کتاب سرزمین ثروت و فقر می گوید:

تأسف‌انگیز است که اقتصاددانان جوان کشورهای کم‌توسعه در دام و پیچ و خم اندیشه‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته گرفتار شوند و بدین ترتیب تلاش‌های روشنفکرانه کشورهای کم‌توسعه با ناکامی مطلق مواجه شوند. به عکس من آرزو می‌کنم که این افراد شهامت واژگون ساختن تندیس‌های عظیم فاقد معنا و نامربوط و گاهی دکترین‌ها و روش‌های نظری ظاهر فریب و ناقص را بیابند و تفکر خود را در بستر مطالعات بر نیازهای وسایل خودشان مبتنی کنند.

از طرفی حضرت امام فرموده‌اند:

اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا بکند، در فرهنگ و در دانشگاه‌ها باید اصلاح فرهنگ صورت بگیرد.^۱

هم‌چنین حضرت در وصیتنامه الهی - سیاسی خود فرموده‌اند:

... و غم‌انگیزتر این‌که آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آورده‌اند، و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری را نداریم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی باعث شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم.

همخوانی دیدگاه‌های حضرت امام با دانشمندان علم توسعه در این مقایسه نیز کاملاً مشهود است.

رائول پریش^۲ با اشاره به این موضوع که فرآیند صنعتی شدن کشورهای اقماری (با توسعه نیافته) به شدت تأخیر پیدا کرده است، به مسئله تقلید از کشورهای صنعتی می‌پردازد و می‌نویسد: شالوده‌نهادها و مؤسسات کشورهای پیشرفته در داخل کشورهای توسعه نیافته پی‌ریزی شده است. روستو^۳ از صاحب‌نظران توسعه اقتصادی می‌گوید:

رشد اقتصادی نتیجه فرآیند کنش‌های متقابل است که بخش‌های

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه را دربرمی‌گیرد.^۴

با تحلیل مقایسه‌ای باز هم به این مطلب می‌رسیم که حضرت امام با نظریات متخصصان علم توسعه و کسانی که جوامع توسعه نیافته را بررسی کرده‌اند اشتراک نظر داشته‌اند. هم‌چنین واضح است که امام، موانع توسعه اقتصادی کشور را کاملاً شناخته و مطابق با شرایط محیطی و داخلی کشور، راه‌های درمان آن را نیز ارائه فرموده‌اند.

توسعه اسلامی از دید امام خمینی

توسعه اسلامی در نگاه امام، فرآیند حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب است که حد و اندازه جامعه توسعه یافته را نشان می‌دهد. از طرفی توسعه اقتصادی در اسلام،

۱. ۱۳۵۸/۸/۴.

2. Prebisch, R. D.

3. Rostow, W. W.

۴. این برداشت همان فرض اول مقاله است که در نظریات حضرت امام (ره) بررسی خواهد شد.

حرکت به سمت اهداف اقتصادی و تحقق اصول اقتصادی در جامعه مطلوب است، به طوری که این حرکت با حرکت سایر بخش‌ها هماهنگ و دارای رابطه متقابل است. امام راحل با توجه به تعالیم اسلامی در این زمینه می‌فرمایند:

البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست.^۱

از فرموده حضرت امام به این نتیجه می‌رسیم که برای شناخت و بررسی توسعه‌یافتگی در اسلام باید جامعه مطلوب را از نظر اسلام ترسیم و اصول حاکم بر آن را بررسی کنیم. در خصوص شناخت بیشتر باید اهداف خلقت و بعثت را دریابیم.

قرآن هدف خلقت انسان را رسیدن به مقام رفیع بندگی^۲ و انگیزه بعثت را تزکیه و تعلیم انسان^۳ می‌داند. بنابراین جامعه مطلوب باید ویژگی‌های ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند زمینه سیر الی الله را برای انسان به بهترین شکل فراهم آورد. این ویژگی‌ها را به شکل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌توان دسته‌بندی و هر یک را جداگانه بررسی کرد. ویژگی‌های اقتصادی چنین جامعه‌ای از نظر حضرت امام به قرار زیر است:

۱. ایجاد رفاه و از میان بردن فقر: ایشان ضمن برشمردن اهمیت این ویژگی فرموده‌اند:

همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بریندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور ما از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.^۴

۲. توزیع عادلانه منابع: حضرت امام در این باره می‌فرمایند:

اسلام تعدیل می‌خواهد، نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه آن طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد و برای سگش هم اتومبیل داشته باشد و شوfer داشته باشد و امثال ذلک، و این یکی که شب برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد. نمی‌شود، این عملی نیست. نه اسلام با این موافق است و نه هیچ انسانی با این موافق است.^۵

۳. استقلال اقتصادی: «استقلال، آزادی...» جزء نخستین شعارهای انقلاب اسلامی است و امام استقلال سیاسی را منوط به استقلال اقتصادی دانسته‌اند.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۸ (فریاد برائت).

۲. ذاریات، آیه ۵۶.

۳. پیام فریاد برائت.

۴. صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷.

۵. جمعه، آیه ۲.

۴. رشد و شکوفایی اقتصادی: امام خمینی در این باره می‌فرمایند:
 اسلام... اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی به نفع همگان در
 رفاه همه مردم با اهمیت به مستمندان و ضعیفان بارور می‌کند و برای رشد
 بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید.^۱
 در این قسمت رشد اقتصادی که بحث کمیت توسعه را پوشش می‌دهد تلاش در
 بخش‌های مختلف اقتصادی را می‌طلبد و حضرت امام وارد یک بحث فنی و تخصصی
 شده‌اند.

در میان ویژگی‌های اقتصادی، استقلال اقتصادی و عدالت اقتصادی از اهمیت
 ویژه‌ای برخوردارند. حضرت امام(ره) وابستگی اقتصادی را بسیار نامطلوب می‌دانند و
 معتقدند منشأ پیدایش وابستگی‌های سیاسی و نظامی نیز وابستگی اقتصادی است:
 وابستگی اقتصادی مسئله‌ای است که وابستگی‌های بسیاری را به
 دنبال می‌آورد. اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی
 اقتصادی داشته باشد همه‌جور وابستگی دنبالش می‌آید و وابستگی
 سیاسی هم پیدا می‌کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می‌کنیم.^۲
 از طرفی حضرت امام راه حل این وابستگی را رسیدن به خودکفایی می‌دانند که
 می‌تواند ضامن استقلال اقتصادی نیز باشد. در این خصوص نیز فرموده‌اند:
 باید کاری کنیم که زاید بر خودکفا باشیم، کشور ما یک کشوری است
 که می‌تواند بیش از احتیاج خودش تولید داشته باشد و صادر کند.
 و در جای دیگر فرموده‌اند:

ایران ان شاء الله مستقل بشود. و استقلال وقتی است که شما دیگر
 احتیاج به این که دستتان را دراز بکنید به خارج چیزی بگیری نداشته
 باشید... باید همه کوشش کنیم، آن‌هایی که مخترع هستند، آن‌هایی که
 متفکر هستند، زارعین، کارخانه‌دارها، همه کوشش کنند که خودشان کار
 خودشان را انجام بدهند.^۳

در این زمینه حضرت امام عنصر اساسی در استقلال اقتصادی را خودکفایی، رسیدن
 به توان صادراتی و کوشش و همت همه‌جانبه قشرهای مختلف جامعه می‌دانند. در واقع
 افزایش توان اقتصادی و رسیدن به درجه توسعه یافتگی اقتصادی آن هم در سایه الطاف

الهی و استمداد از اسلام و قرآن و همگام با اصول فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، تنها مسیری است که استقلال اقتصادی را میسر می‌گرداند.

حضرت امام به دو نکته در خصوص اصول اقتصادی توجه داشته‌اند، یکی این‌که این اصول تحت حاکمیت اسلام و ارزش‌های اسلامی قابل اجراست و می‌تواند ما را به سرمنزل مقصود و جامعه مطلوب (توسعه‌یافتگی) برساند و چنانچه این اصول، حاکمیت الهی و سیاسی قرآن را به خطر اندازند، به هیچ عنوان عملی نخواهند بود. نکته دوم این است که اصول اقتصادی و سیاست‌های اجرایی وابسته باید به گونه‌ای اتخاذ گردند که اهداف اصول فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را متزلزل نگردانند. بنابراین اهمیت مسائل دیگر از جمله فرهنگی، اجتماعی و... در کنار اصول اقتصادی از رتبه کمتری برخوردار نیست. از آن‌جا که این بحث با دو مسئله اصلی مقاله مرتبط است، بحث و بررسی بیشتر را در این زمینه به قسمت بعد وامی‌گذاریم.

فرض اول: جامعیت توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی

از دیدگاه حضرت امام توسعه به مفهوم گسترده و پویا مورد توجه قرار گرفته است و حرکتی همه‌جانبه در جهت رشد و شکوفایی انسان و جامعه در مسیر «سیر الی الله» است. به عبارت دیگر توسعه، رشد و تحول عمیق و بنیادین جامعه، بافت‌ها، روابط فرهنگی و اجتماعی، فکر و اندیشه، بینش و نگرش و ساختار وجودی و شخصیت انسانی و الهی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد. بنابراین، توسعه مسئله چندبعدی است که به همه زوایای زندگی انسان‌ها مربوط می‌شود و جریانی منظم و هدفدار است.

توجه به استعدادها و منابع انسانی از یکسو و منابع غیرانسانی نظیر عوامل مادی و طبیعی از سوی دیگر، هم‌چنین حرکت به سمت بهره‌برداری مناسب از منابع و ظرفیت‌ها، استفاده از شرایط موجود مؤثر در کشور و منطقه و گسترش مفاهیم فرهنگی و اجتماعی از جمله مواردی است که در مسیر توسعه اقتصادی و همه‌جانبه مورد عنایت حضرت امام قرار گرفته‌اند. در واقع امام شاخص‌های مختلف توسعه اقتصادی را کاملاً در نظر گرفته و به آن‌ها بی‌توجه نبوده‌اند. آنچه سبب حصول این دیدگاه شده، شناخت کافی ایشان است که ناشی از تعالیم الهی و انگیزه‌های معنوی و اسلامی است و از منبع جامعی چون قرآن کریم و روایات اسلامی نشئت می‌گیرد و به ارائه شناخت کافی و معرفی اهداف استقلال، عدم وابستگی، ارزش‌های اخلاقی، خدمت و عبادت، معرفت و شناخت عمیق از هستی، ارتباط سالم و سازنده با جامعه و انسان‌ها و محیط، بینش و

بصیرت درباره انسان و جهان، برقراری ارتباط حسنه و صادقانه با همه ذرات عالم هستی و احساس وظیفه و مسئولیت در قبال همه نظام حکیمانه آفرینش می انجامد. این یک معنای جامع از توسعه اقتصادی اسلامی است که می توان اعتراف کرد در هیچ بینش و نگرش اقتصادی در خصوص مفهوم توسعه وجود خارجی نداشته است. به عنوان نمونه ای از اشارات متفکرانه حضرت امام، توجه و شناخت ایشان را در مورد شاخص های عمده توسعه اقتصادی در ادامه بررسی و بیان خواهیم کرد که چگونه شرایط مختلف مفهوم توسعه از دید فنی حضرت امام پنهان نمانده است.

در دیدگاه ایشان تعلیم و تربیت جایگاه خاصی دارد؛ زیرا به تربیت نیروی انسانی می انجامد و می تواند در ارتقای فرهنگی جامعه نیز مؤثر واقع شود. امام راحل می فرمایند:

اصلاح و اداره مملکت با تعلیم و تربیت صحیح نسل آینده است.^۱
و در جای دیگر آورده اند که:

لکن جهاد اکبر، جهاد در راه سازندگی خودتان است.^۲

در واقع امام تربیت نیروی انسانی را در مفهوم توسعه نیروی انسانی - که خود شاخص توسعه یافتگی است - آن هم به شکل الهی و توأم با تهذیب نفس و خودسازی مطرح کرده اند.

مقوله فرهنگ و توجه به اصول و مفاهیم و زیربناهای فرهنگی، از مهم ترین شاخص ها و بستری های توسعه اقتصادی و مسائلی است که عنایت حضرت امام را به خود جلب نموده است. به باور متخصصان توسعه و اقتصاددانان فرهنگ، محور توسعه و از مهم ترین زمینه ها و عوامل تحول و رشد در یک جامعه است و از این می توان دریافت که حضرت امام همچون اقتصاددانان توسعه فرهنگی را از امور اساسی تحول و رشد در جامعه دانسته اند. ایشان در این زمینه می فرمایند:

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ، پوک و میان تهی است.^۳

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۴۰۶.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰.

حضرت امام رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را ناشی از رشد فرهنگی دانسته‌اند. ایشان در خصوص اصول فرهنگی حاکم بر جامعه به پیشرفت در علوم و فنون،^۱ ملاک فضیلت و تقوا^۲ و حاکمیت اخلاق اسلامی - انسانی^۳ اشاره فرموده‌اند.

دیگر شاخص عمده توسعه اقتصادی که بسیار مورد توجه حضرت امام بوده، بحث مطالعات و پژوهش است. این بحث در مباحث جدید توسعه با علامت اختصاری R&D^۴ به کار می‌رود و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طوری که هزینه‌های صرف شده برای آن در هر کشور شاخص توسعه‌یافتگی به شمار می‌رود.

امام در این زمینه نیز رهنمودهایی برای درمان درد توسعه‌نیافتگی جامعه ایران بیان فرموده‌اند. منشور بازسازی که از حضرت به یادگار مانده نشان‌دهنده عمق بینش و نگرش ایشان درباره مسائل پژوهشی و اهمیت تحقیقات و ضرورت توسعه مراکز وابسته است. ایشان در منشور بازسازی فرموده‌اند:

مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند.^۵

در همین باره حضرت امام بر مسائلی چون بیداری، آگاهی، خودباوری ملی، اراده، تحول، اهمیت و اصلاح مغزها، اهمیت دانشگاه و تحول آن، و اعتماد به نفس تأکید ورزیده‌اند تا انگیزه‌ای برای خلاقیت و پرورش استعدادها ایجاد کنند.^۶

نقش برجسته امام خمینی و کار برگزیده ایشان را در بحث توسعه باید مفهوم توسعه فرهنگ دینی دانست. ایشان اسلام را مکتبی دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی صحیح دانستند و شیوه نگرش جدیدی درباره حیات، جامعه، جهان، زندگی، انسان و ارزش‌های کل هستی ارائه فرمودند و حتی در قدمی بالاتر اسلام را نظامی انطباق‌پذیر با شرایط و محیط، قابل تحول و جذب، و دارای قدرت سازندگی و تأثیرگذاری معرفی کردند.

در مفاهیم توسعه نظریه‌پردازان توسعه نه تنها جایگاهی برای فرهنگ دینی در نظر

۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۸. ۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۲۳.

۳. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۳۰ و ص ۱۳۲.

4. Research and Development.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۱۹۲.

۶. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۷۶ و ج ۲۱، ص ۱۹۴.

نگرفته‌اند، بلکه حتی آن را مخالف توسعه و در تضاد با آن به حساب آورده‌اند. در واقع مفاهیم توسعه از نظر آن‌ها تنها مادی، صنعتی و تکنولوژیکی است و بر همین اساس کشورها را با تقسیم‌بندی توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته طبقه‌بندی کرده‌اند. هم‌چنین به زعم آنان دین دارای اصولی ثابت و مفاهیمی لایتغیر است و از این رو توسعه که دارای مفهومی نو، و پویاست با دین سازگار نیست.

حضرت امام برخلاف پندار آنان دین را مکتب و نظام و منشأ تحول برای جامعه می‌دانند که می‌تواند انسان‌ها را نیز متحول کند. در واقع مهم‌ترین اثر فرهنگ دینی، تأثیر بر انسان‌هاست که عامل مهم توسعه شمرده می‌شوند. ایشان بارها فرموده‌اند که: «ملت ما یک ملت الهی شده است». بنابراین فرهنگ دینی تأثیر خود را در این خصوص به جا گذاشته و نهادهای وجودی انسان را کاملاً دگرگون کرده و عواطف و احساسات کامل‌ترین خلقت خداوند را تحت الشعاع قرار داده است. امام در این باره گفته‌اند:

البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست.^۱

این جمله خود تأکیدی بر فرهنگ مؤثر دینی است و تأثیر آن را بر توسعه اقتصادی کاملاً روشن می‌کند.

در یک جمع‌بندی باید گفت حضرت امام (ره) در شرایط جامع بودن مفهوم توسعه، مقتضیات زمانی و مکانی و محیطی اجتماع ما را کاملاً در نظر داشته و همه جنبه‌های مفاهیم توسعه را با این خصوصیت بیان و بررسی فرموده‌اند.

فرض دوم: ارزشی بودن توسعه از دیدگاه امام خمینی

توسعه‌یافتگی از نظر اسلام یک مسئله ارزشی است. اسلام همه ابعاد جامعه مطلوب (توسعه‌یافتگی) را از زوایای مختلف بررسی و دیدگاه جدیدی را به عنوان نقطه عطفی در علم اقتصاد برای نظریه‌های توسعه مطرح کرده است. حضرت امام به عنوان پرچمدار این تحول، نظریات توسعه را کاملاً دگرگون نموده‌اند.

همه تعاریف توسعه اقتصادی در مورد «فرآیند حرکت و تحول از مبدأ به مقصد (توسعه‌یافتگی)» اتفاق نظر دارند، اما در این‌که «توسعه‌یافتگی چیست؟» در اختلاف نظر

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۲۸، پیام فریاد براهت.

به سر می‌برند. در واقع در تبیین هدف دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. در این اختلاف نظرها، شرایط مختلف جوامع و روند زمان نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. برای مثال بلاک^۱ هدف توسعه اقتصادی را دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌هایی می‌داند که بتوانند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف کنند. تیروال^۲ هدف را رسیدن به رشد مداوم درآمد واقعی، همراه تحولاتی در آداب و رسوم اجتماعی برمی‌شمارد که در گذشته مانع پیشرفت بوده‌اند. میردال^۳ توسعه اقتصادی را حرکت یک سیستم یک‌دست اجتماعی به سمت جلو تعریف کرده است. میر^۴ توسعه را وسیله‌ای برای فائق آمدن بر فقر مزمن و امید به بهبود شرایط اجتماعی می‌داند. کوشمن^۵ هدف را با الفاظ ترقی، تجدد یا تازه درآمدن مترادف می‌داند. مک‌لاپ^۶ هدف توسعه را رسیدن به رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه معرفی می‌کند. برخی از مطالعات توسعه، از جمله مطالعه محبوب الحق^۷ نیز مفهوم توسعه نیروی انسانی و توجه به واژه‌های سطح دانش و امید به زندگی و... را وارد بحث‌های توسعه اقتصادی نموده‌اند. عنصر مشترک همه این مطالعات و نظریه‌ها نگرش مادی به اهداف توسعه است.

نظریات دیگری نیز در قالب توسعه مطرح شده که هدف را رسیدن به جامعه مدرن می‌داند و ارزش‌های حاکم بر جامعه را ندیده می‌گیرد. روستو^۸ که از این دسته نظریه پردازان است، عامل توسعه نیافتگی را فقدان سرمایه، نیروی کار ماهر و وجود سنت‌ها می‌داند.

در دهه هفتاد گروهی از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان در امریکای لاتین تحت راهنمایی‌های راثول پریش^۹ تحولی در علل توسعه نیافتگی ایجاد کردند و برخلاف نظریات قبلی، علل توسعه نیافتگی را وابستگی شدید به غرب و جامعه مدرن غربی دانستند.

تحول خاصی در دهه‌های اخیر در مفاهیم توسعه اقتصادی ایجاد شده است. این تحول را که برگشت به ارزش‌های انسانی و فرهنگی در جامعه است، غالباً اقتصاددانان

1 . Black, C. E.

2 . Thirwall, A. P.

3 . Myrdal, G.

4 . Meier, G. M.

۵. مربوط به مآخذ شماره چهارده است.

6 . Machlup, F.

۷. اقتصاددان پاکستانی و سرپرست پژوهش‌های برنامه توسعه سازمان ملل.

8 . Rostow, W. W.

9 . Prebisch, R. D.

توسعه کشورهای جهان سوم مطرح کرده‌اند. لوئیس ایبک در مقاله خود آورده است:
 با احیای بنیادگرایی در خاورمیانه فرض نظریه غالب توسعه در مورد لزوم دنیوی کردن امور شدیداً مورد حمله قرار گرفته است. به قدرت رسیدن روحانیان شیعه در ایران مبانی اخلاقی توسعه را به عنوان مهم‌ترین موضوع در معرض بحث و گفتگو قرار داده است... به نظر می‌رسد که این بحران نظری و عملی عمده‌تاً مقتضای غفلت از مبانی اخلاقی است.^۱

تحول موضوع بحث در واقع تغییر نگرش مادی به سمت نگرش ارزشی است؛ به خصوص زیر سؤال بردن مفاهیم ارائه شده توسعه در قبل که دین را مربوط به مسائل فردی می‌دانستند یا آن را از مفاهیم متجدد و متمدن توسعه تفکیک می‌کردند و عقل را ملاک و مرجع حصول فرهنگ سیاسی و اجتماعی صحیح می‌پنداشتند. نکته حائز ارزش دیگر آن است که این تحول را به روحانیان شیعه در ایران نسبت می‌دهند و مبانی ارزشی اسلامی را مبدأ پیدایش این تحول می‌دانند.

امام در این دگرگونی و ارائه نظریه جدید سهم عمده‌ای دارد و مبانی اخلاقی و ارزش‌های انسانی را در سطح متعالی مطرح نموده‌اند. ایشان توسعه‌یافتگی را در چارچوب تعالیم اسلام امکان‌پذیر می‌دانند:

اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته‌ای، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار نموده است و موانع و مشکلات سد راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد کرده است.^۲

در مکتب کامل و انسان‌ساز اسلام است که مفاهیم ارزشی و انسانی مانند ایثار، عدل، انصاف، تواضع و اعتقادات مذهبی کاملاً هویدا می‌گردد و حضرت امام به خوبی به این مسئله واقف بوده و داروی درد را تجویز فرموده‌اند.

۱. مربوط به مآخذ شماره یک است.

۲. وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام (ره)، بند ۲.

فهرست منابع

۱. ایبک، ل، «دگرگونی در مفاهیم و هدفهای توسعه»، مجله نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۰.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات جاویدان.
۳. تودارو، م، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.
۴. جونز، ه، درآمدی بر نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، ترجمه صالح لطفی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۵. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاة، ج ۲ و ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۷. (حضرت امام) خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، ج ۲، انتشارات قدس.
۸. _____، صحیفه نور، ج ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰ و ۲۱.
۹. _____، وصیتنامه سیاسی - الهی.
۱۰. شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶. *شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۱۱. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۷.
۱۲. کلینی، رازی، اصول کافی، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ چهارم.
۱۳. کوشمن، د، توسعه ملی و نحوه عمل آن، ترجمه دکتر منوچهر شجاعی، ص ۵۱.
۱۴. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۵. نونزاد، مسعود، «راهی به سوی توسعه پایدار»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷.

16. Black, C. E, *The Dynamics of Modernization*, New York, 1966, P.55.
17. Friedman, M, *Essays in Positive Economics*, University of Chicago Press, 1953.
18. Hirschman, A. O, *The Strategy of Economic Development*, Yale University Press, New Haven, 1958.
19. Lipsey, R. G, *An Introduction to Positive Economics 3rd edn*, weidenfeld and Nicholson, London, 1971.
20. Machlup, F. "Disputs, *Paradoxes and Dilemmas Concerning Economic Development*", *Essays in Economicsemantics*, New York: Norton, 1967.
21. Meier, G. M, *Leading Issues in Economic Development*, 5th edition, 1989.
22. Myrdal, G, "*Against the Stream Critical Essays of Economics*", the Macmillan Press, (LTD) London, 1974.
23. Rostow, W. W, *The Stages of Economic Growth 3rd edn*, Cambridge University Press, 1971.
24. Thirwall, A. P, *Growth and Development*, London: Macmillan, 1972.